

بررسی مقایسه ای اثر شاخص های اقتصاد دانایی محور بر رشد اقتصادی برخی کشورهای نفتی و  
غیرنفتی

۱- پروانه کمالی دهکردی\*

پریا سرخ دینی

مهری کبیریان

۱- نویسنده مسئول - استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور

[parvanehkamali@gmail.com](mailto:parvanehkamali@gmail.com)

۲- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه .....

[p\\_s\\_4748@yahoo.com](mailto:p_s_4748@yahoo.com)

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا

[M.kabirian@yahoo.com](mailto:M.kabirian@yahoo.com)

چکیده:

الگوی نوظهور اقتصاد دانایی محور و ورود به عصر دانایی، چندی است که موضوع مباحث اقتصادی-اجتماعی است. نهاده این الگو دانش و کاربرد آن است و در آن رشد استفاده از فناوری های مدرن در صنایع و متعاقب آن رشد کیفی نیروی کار ماهر و افزایش بهره وری از ویژگی های اصلی خواهد بود. اما مقایسه این الگوی جدید با الگوهای قبلی مانند عصر کشاورزی و صنعتی نشان از آن دارد که فعالیت مبتنی بر دانش نیازمند آگاهی ها و آمادگی های پایه ای است که اکثریت وزن آن را سرمایه انسانی کارا تشکیل می دهد. بنابراین در شرایطی که مناسبات جهانی در حوزه اقتصاد بر اساس الگوی اقتصاد دانایی محور سامان می یابد، واردات فناوری و تقلید از کشورهای توسعه یافته بدون توجه به زیرساخت های این الگو، مشکل گشای مسایل اصلی کشورهای نفتی نخواهد بود. بنابراین باید به دنبال راهی اساسی برای ساماندهی وضعیت ورود این دسته از کشورها به عصر دانایی بود. از سوی دیگر، پدیده "معمای فراوانی" یا "نفرین منابع" با این تصور عمومی که ثروت منابع طبیعی باعث رشد اقتصادی می شود، در تضاد است. در این میان اینکه چرا کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت پس از سود بردن از بزرگترین انتقال ثروت، که تا کنون بدون جنگ رخ داده است، گاهی اوقات گرفتار زوال اقتصادی شده اند، به عنوان یکی از مسایل مطرح در این خصوص است که به صورت های گوناگون توسط محقق دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: اقتصاد دانش محور، رونق نفتی، دولت رانتیر، رانت، شوک نفتی

مقدمه

شکاف بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته معمولا یکی از مهمترین موضوع های مورد بحث محافل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. این شکاف از زمان وقوع انقلاب صنعتی آغاز شد و با گذشت زمان بیشتر و بیشتر شد تا موج دوم انقلاب صنعتی که باعث تشدید دوباره آن گردید. امروز نیز جهان مواجه با موج سوم است که باعث ورود به عصری شده که از آن

تحت عناوینی چون عصر اطلاعات، عصر دانایی، عصر خدمات و عصر اقتصاد بی وزن یاد می شود. پایه و اساس شکل گیری چنین دوره ای تولید، توزیع و کاربرد فزاینده و شدید دانش است. در واقع امروز در هر زمینه و بخشی، نهاده دانش حرف اول را زده و نحوه و میزان استفاده از سایر نهاده ها تحت تاثیر آن قرار گرفته اند. اکنون بحث بر سر آن است که امروز چگونه می توان فاصله بین کشورهای پیشرو و عقب مانده را کم کرده و نهایتاً از بین برد. البته این در حالی است که کشورهای پیشرو نیز در ابتدای راه هستند و اگر گروه کشورهای عقب مانده بتوانند به راهکاری عملی و موثر دست یابند، می توانند در ادامه راه در کنار آنها باشند(چهاربند:۱۳۸۸:۱).

از سوی دیگر، رشد اقتصادی همواره یکی از چالش های اقتصادی کشورهای در حال توسعه در دوره بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. به رغم تلاش هایی که اقتصاددانان برای درک عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به عمل آورده اند به گفته سالا - آی - مارتین عوامل رشد هنوز به صورت یکی از معماهای دانش اقتصادی به شمار می رود(کمالی دهکردی:۱۳۸۸:۱). این تحقیق برآن است تا موضوع رشد اقتصادی در گروه کشورهای نفتی و غیرنفتی را از منظر شاخص های اقتصاد دانش محور مورد بررسی قرار دهد.

### بیان مسأله

اینکه تملک داشتن نفت فرصت هایی برای سود یا زیان بردن استثنایی ایجاد می کند غیرقابل تردید است. نفت در قرن بیستم جایگزین سایر منابع مهم سوخت شده است چون به محض اینکه کشف شد هزینه های استخراج، توزیع و استفاده از آن نسبتاً اندک بود(کارل:۱۳۸۸:۸۹). با این وجود، بسیاری از صادرکنندگان منابع معدنی به خصوص صادرکنندگان نفت در طول چند دهه اخیر با وجود دریافتی های عظیم ناشی از رونق نفتی، بسیار ضعیف تر از کشورهای فاقد منابع طبیعی عمل کرده اند. در این میان نیز کشورهایی وجود داشته اند که توانسته اند به نحو مطلوبی از این درآمدهای رونق نفتی بهره ببرند، اما در حالت کلی نتایج بسیار ناامیدکننده بوده است(اله قلی:۱۳۹۰:۳).

بحث درباره نفرین منابع و آثار متناقض فراوانی منابع بر رشد اقتصادی کشورها، سابقه طولانی دارد و ناتوانی دولت ها در تبدیل منابع طبیعی به یک دارایی مولد و با ارزش، از حیرت آورترین مسائل مطرح در مباحث توسعه می باشد. اینکه چرا به رغم فراهم شدن شرایط لازم برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و بهبود در کیفیت زندگی مردم، آنچه مشاهده شده عمده تاً عملکرد اقتصادی ضعیف برای اغلب کشورهای صاحب منابع بوده است، هنوز از پیچیده ترین موضوعات می باشد(خیرخواهان:۱۳۸۲:۴۶).

در این تحقیق به این پرسش که چرا دولت های صادر کننده نفت مثل ایران، ونزوئلا، الجزایر که تفاوت زیادی با هم دارند، در خلال رونق های عظیم نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی، مسیرهای توسعه مشترکی را انتخاب کردند و گرفتار نتایج یکسان اقتصادی شدند، پاسخ داده می شود(کارل:۱۳۸۸:۱۲). در ساده ترین و اقتصادی ترین روایت از بلای منابع، بیماری هلندی اتفاق می افتد. منظور این که وقتی دلارهای نفتی و نقدینگی وارد اقتصاد این کشورها می شود، قیمت کالاها و خدمات غیرقابل مبادله - مثل ساختمان های تجاری و مسکونی، خدمات واسطه ای، مشاوره ای و آموزشی - که قابل وارد کردن نیستند، بالا می رود.

بنابراین، دو تغییر عمده ای که محور بحث است و آثارش روی رشد اقتصادی دیده شده است یعنی انقلاب دانایی و شکوفایی درآمد نفتی می باشد، که در تعامل با یکدیگر دیدنشان حائز اهمیت است. از آنجا که اقتصاد دانش محور بنا به تعریف سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی: اقتصادی که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می گیرد. با توجه به چنین تعریفی، در این اقتصاد شاهد سرمایه گذاری در تکنولوژی های مدرن و پیشرفته، رشد سرمایه گذاری در صنایعی که از این تکنولوژیها استفاده می کنند، رشد نیروی کار ماهر و دستاوردهای بهره وری هستیم.(OECD:۱۹۹۶:۷). تمرکز اصلی این تحقیق روی نقش شاخص های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی برخی کشورهای نفتی و غیر نفتی است و به این ترتیب به بررسی تاثیرگذاری شاخص های مذکور بر رشد اقتصادی در بستر وجود و عدم وجود نفت پرداخته شده است.

## ابعاد اهمیت تحقیق

مهمترین بعد تحقیق تلاش برای فهم ساز و کارهای تطابق با تحولات دنیاست. با داشتن تجربه عقب ماندگی از کشورهای توسعه یافته در موجهای اول و دوم انقلاب صنعتی، به جاست که در موج سوم هوشیار بود تا بتوان ما نیز در این دوره جزء کشورهای پیشگام قرار گرفته و یا حداقل از کشورهای دیگر در این عرصه عقب نمانیم (چهاربند: ۱۳۸۸: ۲).

از دیگر ابعاد اهمیت تحقیق آن است که در کشورهای در حال توسعه دارای منابع نفتی، بخش مربوط به نفت اثر مهمی بر عملکرد اقتصادی و سایر امورشان دارد و این منابع نه تنها تا سالهای آینده کماکان وجود دارند بلکه وابستگی به سوخت های فسیلی همچنان ادامه خواهد داشت. لذا بررسی این موضوع به رغم مطالعات فراوان صورت گرفته، همچنان حائز اهمیت فراوان است (اله قلی: ۱۳۹۰: ۶).

به منظور درک بهتر موضوع، به بررسی و مقایسه اثر شاخص های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی برخی کشورهای نفتی (ایران، ونزوئلا، الجزایر، اکوادور، کویت و قطر) و غیر نفتی (چین، کره جنوبی، مالزی، هند، فیلیپین و هنگ کنگ) می پردازیم و به این ترتیب به دنبال پاسخ دادن به سئوالاتی از این قبیل هستیم: تحقق اقتصاد دانش محور تا چه حد و چگونه بر رشد اقتصادی کشورها تاثیر گذار است؟ آیا درآمد حاصل از فروش نفت می تواند به تنهایی نقش تعیین کننده ای در رشد اقتصادی کشورهای نفتی داشته باشد؟ و اگر عوامل دیگری در دستیابی به اقتصادی پویا و دانش محور تاثیر گذار است علت های عدم بهره وری مناسب کشورهای نفتی چیست؟

## پیشینه پژوهش

با توجه به این که تحقیق حاضر در برگیرنده دو موضوع، اقتصاد دانش محور و اقتصاد منابع می باشد و تا کنون تحقیق که هر دو طیف را در برگیرد انجام نشده، پیشینه تحقیق نیز در دو بخش گردآوری شده است. چهاربند (۱۳۸۸) در پایان نامه خود به بررسی نقش آموزش پایه در تحقق اقتصاد دانایی محور در ایران می پردازد. وی علت افت قابل ملاحظه رتبه آموزش در هر سه گروه کشورها، کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین و گروه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را در عدم برقراری رابطه معنادار بین آموزش و شاخص های اقتصاد دانایی محور می داند و برای دستیابی به رتبه اول اقتصادی، فناوری و علمی در میان کشورهای منطقه را در گرو تحول بنیادین در حوزه آموزش و پرورش عمومی معرفی می کند. کمالی دهکردی (۱۳۸۸) در دانشنامه دکتری خود به واریسی اثر جذب سرمایه گذاری خارجی (FDI) بر رشد اقتصادی برخی کشورهای میزبان منتخب پرداخته است. وی FDI را عامل تقویت رشد اقتصادی کشورهای میزبان می داند و به نقش تعیین کننده متغیرهای فضای کسب و کار بر جذب و بهره برداری مناسب از FDI اشاره می کند و اثر مستقیم متغیرهای تعداد روزهای معطلی برای ثبت دارایی ها، هزینه ثبت دارایی ها، شاخص حکمرانی خوب، شاخص آزادی اقتصادی، تعداد دفعات پرداخت مالیات در سال و نرخ مالیات بر میزان جذب FDI بیان می کند. همچنین مهدوی (۱۹۵۰)، از مشکلات رشد اقتصادی در دولتهای رانتیر به افزایش دادن هزینه های عمومی توسط دولت بدون توسل به مالیات و بدون نگرانی از عدم توازن تراز پرداخت ها و مشکلات تورمی برمی شمرد. کاتوزیان (۱۳۷۲)، در کتاب خود با عنوان اقتصاد سیاسی ایران، به پدید آمدن فرایند های توسعه اقتصادی- سیاسی از ترکیب استبداد دیرینه ایرانی، پدیده جدید شبه مدرنیسم در جهان سوم و عامل غیرتاریخی درآمدهای نفتی اشاره می کند. گفتنی است کارل (۱۹۹۷)، در کتاب معماری فراوانی، رونق های نفتی و دولت های نفتی، به بیان محدود شدن انتخاب ها در کشورهایی با میراث توسعه به رهبری نفت می پردازد. همچنین وابستگی به درآمدهای نفتی را به عنوان مشوقی برای توزیع سیاسی رانت ها می داند و به چارچوب های تصمیم گیری و بخش صادراتی پیشرو به عنوان عامل تعیین کننده موهبت یا نفرین بودن منابع نگاه می کند.

## چارچوب نظری

تا کنون در طول تاریخ دو انقلاب بزرگ کشاورزی و صنعتی پشت سر گذاشته شده و در حال حاضر جهان درگیر انقلاب دیگری موسوم به انقلاب فناوری است که هر کدام شرایط و الزامات خاصی را در زمان خود بر جا گذاشتند و باعث تحولات

اساسی در نظام اقتصادی و شیوه تولید و به تبع آن در دیگر نظامها و نهادها شدند. کشورهایی در عملکرد در قالب این انقلاب ها موفق بودند که خود را با آن تغییرات و تحولات تطبیق داده و شرایط خود در تمامی زمینه ها را به روز کردند. پس امروز هم باید هوشیار بود و نشانه های انقلاب جدید و در حال ظهور را که به انقلاب دانایی موسوم است دریافت و به راههایی در جهت همراه شدن با آن اندیشید تا از ملتهای دیگر عقب نماند(چهاربند:۱۳۸۸:۲۰).

آنچه که به عنوان انقلاب دانایی مطرح شده و در قالب مفاهیمی مانند اقتصاد مبتنی بر دانایی یا جامعه مبتنی بر دانایی یا توسعه مبتنی بر دانایی مورد استفاده قرار می گیرد، از جهاتی می تواند شبیه برانگیز باشد. به این معنا که هنگامی که ما سخن از عصر دانایی به میان می آوریم گویی پذیرفته ایم که در دوران های گذشته اقتصادها و جوامع مبتنی بر دانایی نبوده اند. در حالیکه می دانیم که در همه ادوار تاریخی همواره علم نقش تعیین کننده ای در پیشرفت جوامع داشته است و جامعه ای را نمی توان یافت که در آن با تکیه بر جهل پیشرفتی اتفاق افتاده باشد(مومنی:۱۳۸۶:۲۱۰).

بنابراین، از این زاویه باید توجه داشته باشیم که عصر دانایی در برابر عصر غیردانایی یا عصر جهل و نادانی قرار نمی گیرد بلکه در اینجا سخن بر سر یک نقطه عطف تاریخی مهم است که روند تحولات علمی فنی در معرض یک دگرگونی بنیادی قرار گرفته و این نقطه عطف است که از آن با عنوان انقلاب دانایی نام برده می شود. بحث بر سر این است که برخلاف روندهایی که از آغاز تمدن بشری تاکنون مشاهده شده و در آن پیشرفت های تکنولوژیک عمدتاً کمک کار یا جایگزین دست و بازوی انسان ها می شده اند، در اثر انقلاب های اطلاعاتی و الکترونیکی ما با شرایطی روبه رو شده ایم که در آن پیشرفتهای جدید تکنولوژیک کمک کار یا جایگزین مغز انسان ها می شوند(مومنی:۱۳۸۶:۲۱۰).

از سوی دیگر، پدیده "معمای فراوانی" یا "نفرین منابع" با این تصور عمومی که ثروت منابع طبیعی باعث رشد اقتصادی می شود، در تضاد است. مطابق این دیدگاه، منابع طبیعی فراوان گرچه در کوتاه مدت رونق و رفاه به وجود می آورند، رشد اقتصادی را در بلندمدت کاهش می دهند. در حقیقت تا قبل از دهه ۱۹۸۰ وجود فراوانی منابع طبیعی به عنوان مزیتی برای توسعه به حساب می آمد (Rosser:۲۰۰۷:۷). اما از اواخر این دهه شاهد ظهور مطالعات گسترده ای هستیم که این نظریه را به چالش کشیده اند. آنان معتقدند که وجود فراوانی منابع طبیعی نه تنها یک موهبت نمی باشد بلکه با افزایش دادن احتمال تجربه نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منفی شامل عملکرد اقتصادی ضعیف، سطوح پایین دموکراسی و جنگ داخلی از سوی این کشورها، به عنوان نفرین در نظر گرفته می شوند. از این سو مطالعات گسترده ای تحت عنوان نفرین یا موهبت بودن منابع در ادبیات اقتصاد توسعه صورت گرفته است، که هریک با در نظر گرفتن شاخص های متفاوت و نیز تجربه کشورهای دارای این منابع به دنبال تبیین وجود این پدیده و دلایل وقوع آن هستند(اله قلی:۱۳۹۰:۴۹).

در این میان تجربه کشورهای صادرکننده نفت در برخورد با شوک های قیمت نفت نمونه جالبی از این پدیده به شمار می آید. این کشورها در مواجهه با گشایش درآمدی طی شوک های قیمت نفت طی دهه ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ عملکردهای مشابهی نداشتند. برای مثال کشور نروژ از نفت دریای شمال برای دستیابی به بالاترین جایگاه در لیست بهترین عملکرد اقتصادی برنامه توسعه ملل متحد استفاده کرد، در حالیکه کشورهای چون نیجریه و آنگولا در انتهای این لیست جمع شده اند(Karl:۲۰۰۴:۶۶۲).

در مطالعات گوناگون تجربی که برای تبیین وجود این پدیده در اقتصاد و یا نقش عوامل شکل دهنده به این پدیده صورت گرفته، تلاش شده است که با پررنگ تر کردن عوامل موثر گوناگون تصویر بهتری از این موضوع ارائه شود. در این بررسی بر اساس مطالعه کارنیرو (۲۰۰۷) و با کمی تغییرات به برخی از چالش هایی که کشورهای درحال توسعه نفتی با آنها مواجه می شوند پرداخته شده است. این چالش ها نظیر بیماری هلندی (و ویژگی صنعت نفت)، بی ثباتی درآمدهای نفتی، حکمرانی ضعیف و ظرفیت نهادی محدود، که به اعتقاد وی به رغم ذاتی نبودن، محتمل هستند تا در حضور ثروت منابع طبیعی فراوان مورد تاکید قرار بگیرند. لازم به ذکر است علی رغم اینکه دارا بودن نفت برای کشورها می تواند امتیاز عمده ای برای اقتصادشان باشد و این تصور را به وجود می آورد که این دارایی باید منتهی به اقتصادی پیشرفته گردد، مشاهده می شود وجود نفت و درآمدهای حاصل از آن این انتظار را در اغلب کشورهای نفتی برآورده نکرده است. لذا تحقیق پیش رو در پی بررسی این موضوع و در ضمن بیان عوامل موثر در رسیدن به اقتصاد دانایی محور در کل کشورها اعم از نفتی و غیر نفتی و بطور اخص مقایسه این دو گروه کشور می باشد.

بیماری هلندی: عدم کفایت تبیین های اقتصادی

چیزی نمانده بود که اقتصاددانان پاسخ این پرسش‌ها را پیدا کنند. آن‌ها که از بررسی‌های ستایش آمیز گاه و بی‌گاه «توسعه مبتنی بر گنج سرشار» کر و کور نشده بودند دلیل آوردند که بیماری هلندی، یعنی فرآیندی که به موجب آن کشفیات جدید یا افزایش قیمت در یک بخش اقتصاد مثلاً نفت باعث فشار بر سایر بخش‌ها مثلاً کشاورزی یا صنایع کارخانه‌ای می‌شود، تعیین‌کردتمندی برای عملکرد ضعیف صادرکنندگان نفت را ارائه می‌دهد. ماندگاری بیماری هلندی باعث رشد سریع و حتی بدقواره خدمات، حمل و نقل و سایر کالاهای غیرقابل مبادله در بازارهای جهانی می‌شود، در حالیکه همزمان از صنعتی شدن و رونق کشاورزی ممانعت می‌کند - روندی پویا که سیاست‌گذاران ظاهراً ناتوان از خنثی‌سازی آن هستند (کارل: ۱۳۸۸: ۲۷).

### بی‌ثباتی درآمدهای نفتی

دو ویژگی نفت برای دولت‌ها در کشورهای نفتی چالش برانگیز است. نخست آنکه نوسانات قیمت نفت بسیار متلاطم و نیز غیرقابل پیش‌بینی است. ویژگی دوم آن است که منابع نفتی، پایان‌پذیر و غیرقابل تجدیدند و از آنجا که در اکثر کشورهای نفتی، درآمد حاصل از فروش نفت یکی از منابع اصلی درآمدی دولت است، این دو چالش برای سیاستگذار مالی که عهده‌دار تنظیم برنامه مالی دولت است بسیار کلیدی است (نیلی، درگاهی و کردبچه: ۱۳۸۹: ۹۱).

قیمت نفت به عنوان کالا، بازتاب تعادل عرضه و تقاضا برای نفت در سطح جهان است. البته ناهمگنی این کالا از حیث نوع، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در هزینه استخراج در حوزه‌های مختلف نفتی و تفاوت در هزینه حمل باعث می‌شود همواره قیمت نفت در هر حوزه خاص نفتی در دامنه‌ای از قیمت‌های جهانی معنی پیدا کند (نیلی، درگاهی و کردبچه: ۱۳۸۹: ۹۱).

### حکمرانی ضعیف

حکمرانی خوب به عنوان عامل مهم برای پرداختن موفقیت آمیز به بحث فراوانی شناخته شده است. حکمرانی خوب به طرق مختلفی مطرح شده است، اما به وضوح چند بعدی است و می‌بایست موارد دیگری چون مقررات و قوانین واضح و پایدار؛ نقش قانون؛ سطوح بالای رقابت در دولت؛ انضباط پولی، بودجه‌ای و مالی؛ تعادل بخش عمومی - خصوصی در اقتصاد؛ گفتگوی آزاد بین دولت و جامعه مدنی؛ و درجه بالای شفافیت را در برگیرد (Carneiro: ۲۰۰۷: ۳-۱۲). در مطالعه‌های صورت گرفته درباره شاخص حکمرانی به ۶ مجموعه شاخص نظیر حق اظهارنظر و پاسخگویی، پایداری سیاسی و نبود شورش، کارآیی دولت، کیفیت تنظیم‌گری (نظارتی)، نقش قانون و کنترل فساد اشاره شده است (اله قلی: ۱۳۹۰: ۶۰).

### ظرفیت نهادی محدود

تعریف متفاوتی از ظرفیت دولت از تحلیل متنوع‌تری حکایت می‌کند. اگر آنچه اهمیت دارد نه فقط اندازه دولت و توزیع درونی قدرت بلکه انسجام نظام اداری، شکل‌های سازمانی که بخش عمومی و گروه‌های خصوصی به خود می‌گیرند و برداشت‌های سمبلیک مسلط از خود دولت باشد، پس ظرفیت را از جنبه نظری نمی‌توان با توانایی دولت در رسیدن به اهدافی که در یک لحظه معین برای خویش تعیین می‌کند، مساوی گرفت (کارل: ۱۳۸۸: ۸۴). هر دولتی می‌تواند به اثبات رساند که در اجرای اهداف تعیین شده از طریق یک فرآیند تصمیم‌گیری شدیداً ناکارآمد اثربخشی دارد یا اینکه سرانجام روشن شود تأثیر مخرب و غیرعقلایی بر هنجارها یا نهادهای خویش داشته است. همچنین نمی‌توان ظرفیت دولت را به موضوع اندازه یا حدود اختیارات قانونی آن تقلیل داد. کارل معتقد است به جای این‌ها، ظرفیت دولت را باید در معنای وسیع‌تر درک و قضاوت کرد، یعنی "حاصل جمع توانایی مادی دولت در کنترل، استخراج و تخصیص منابع و نیز توانایی نمادین یا سیاسی در ایجاد، اجرا و تنفیذ تصمیمات جمعی" بنابراین، می‌توان گفت که ظرفیت، گرچه یک سنجه کلی نادقیق اما مجموعی از پتانسیل جمع‌آوری درآمد، ارائه خدمات، اعمال مشروع زور، اجماع‌سازی و انتخاب و پالایش سیاست‌هاست (کارل: ۱۳۸۸: ۸۴).

### فرزیه‌های پژوهش

- اقتصاد دانش محور اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورها خواهد داشت.
- اثر اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی کشورهای غیر نفتی بیشتر از کشورهای نفتی می‌باشد.

**قلمرو زمانی و جامعه آماری پژوهش**

**قلمرو زمانی تحقیق:** تحقیق حاضر به صورت سالانه در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ انجام گرفته است.

**قلمرو مکانی تحقیق:** پژوهش حاضر در شش کشور نفتی شامل (ایران، الجزایر، ونزوئلا، اکوادور، کویت و قطر) و شش کشور غیرنفتی شامل (چین، کره جنوبی، مالزی، هند، فیلیپین و هنگ کنگ) صورت گرفته است.

**جامعه آماری تحقیق:** جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کشورهای نفتی و غیرنفتی می باشد.

**قلمرو موضوعی تحقیق:** این تحقیق به بررسی تاثیر شاخص های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در چارچوب مباحث رشد می پردازد.

**روش شناسی پژوهش**

روش تحقیق در این پژوهش از روش توصیفی-همبستگی خواهد بود. بر این اساس تحقیق دو قسمت خواهد داشت. قسمت اول بررسی و تعیین میزان شاخص های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی در بین تمام کشورهای مورد مطالعه چه کشورهای نفتی چه غیر نفتی است. در قسمت دوم به تفکیک به بررسی شاخص های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی در کشورهای نفتی و غیر نفتی می پردازیم. به این ترتیب که شاخص های اقتصاد دانش محور (رژیم اقتصادی، حکمرانی، سیستم نوآوری، آموزش، نیروی کار و ICT) را به عنوان متغیرهای توضیحی و رشد اقتصادی را به عنوان متغیر وابسته در نظر می گیریم. سپس از مدل رگرسیون پدل برای برآورد میزان تاثیر گذاری هر یک از شاخص ها بر روی متغیر رشد اقتصادی در کشورهای نفتی (ایران، ونزوئلا، الجزایر، اکوادور، کویتو قطر) و کشورهای غیر نفتی (چین، کره جنوبی و مالزی، هند، فیلیپین و هنگ کنگ) استفاده می کنیم. گفتنی است شاخص های مذکور، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ از گزارشی که در سال ۲۰۱۲ در سایت بانک جهانی منتشر شده، استخراج شده است.

**متغیر وابسته تحقیق:**

در این تحقیق رشد اقتصادی کشورها به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است.

**متغیرهای مستقل تحقیق:**

متغیرهای مستقل تحقیق شامل چهار زیر شاخص، اقتصاد دانایی محور شامل: رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی، آموزش و پرورش، نوآوری و اتخاذ تکنولوژی، ارتباطات و اتخاذ تکنولوژی می باشند.

**نظام نهادی و انگیزش اقتصادی<sup>۲</sup>(EIR):**

نظام نهادی و انگیزش اقتصادی باید انگیزه لازم برای کاربرد کارای موجودی دانش به منظور خلق دانش جدید، حذف فعالیت های ناکارآمد و شروع فعالیت های جدید با کارآمدی بیشتر (رونق کارآفرینی) را ایجاد کند. سیاست های دولت به ویژه سیاست های مربوط به فناوری، صنعت و آموزش، مستلزم توجه بیشتری بوده و زیرساخت ها و ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری و تعلیم و تربیت دارای اهمیت می باشد.

**آموزش و پرورش<sup>۳</sup>(ET):**

از الزامات اقتصاد دانش محور، جمعیت تحصیل کرده و ماهری است که به خوبی بتواند دانش را خلق و آن را بکار بگیرد. آموزش و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، سرمایه گذاری بلندمدتی است که بدون آن اقتصاد دانش بنیان ناپایدار خواهد بود.

<sup>۲</sup>. Economic Incentive and Institutional Regime

<sup>۳</sup>. Education and Training

لذا در یک اقتصاد دانش محور توسعه یافته، خدمات آموزشی با کیفیتی که در اختیار افراد قرار می گیرد، الویت اصلی اقتصاد و جامعه است.

#### نوآوری و اتخاذ تکنولوژی<sup>۴</sup> (ITA):

یک نظام نوآور کارا متشکل از بنگاه ها، مراکز پژوهشی و دانشگاهی، مشاوران و سایر سازمان ها به منظور دستیابی به دانش جهانی و تطبیق آن با نیازهای محلی و خلق فناوری های نوین لازم است.

#### زیربنای تکنولوژی و ارتباطات<sup>۵</sup> (ICT):

الزام دیگر اقتصاد دانش بنیان زیرساخت های تسهیل کننده ارتباطات، انتشار و پردازش اطلاعات است. فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT)، فناوری با سیستم های پیشرفته ای است که سبب کاهش هزینه اطلاعات و سهولت دسترسی به مجموعه جامع تری از دانش و اطلاعات می شود.

لازم به ذکر است، جهت اندازه گیری چهار متغیر مستقل تحقیق، ابتدا اطلاعات و داده های مورد نیاز جمع آوری گردیده، سپس میانگین حاصل از زیر معیارها به عنوان اندازه متغیرها جهت تجزیه و تحلیل داده در فصل چهارم بکار گرفته شده است.

| شاخص اقتصاد دانایی محور   |  |                                    |   |
|---|--|------------------------------------|---|
| آموزش و پرورش   | نوآوری و اتخاذ تکنولوژی  | زیر بنای تکنولوژی و ارتباطات       | رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی             |
| نرخ باسوادی بزرگسالان<br>ثبت نام در متوسطه<br>ثبت نام در آموزش عالی | دریافت ها و پرداخت ها در ارتباط با<br>حق امتیاز<br>تعداد حق امتیاز | استفاده کنندگان از تلفن<br>اینترنت | نرخ نیروی کار<br>صادرات خارجی<br>واردات |

#### مدل پژوهش

در این تحقیق آزمون فرضیات پژوهش از طریق برآورد مدل در کلیه کشورها، کشورهای نفتی و غیرنفتی به تفکیک به روش حداقل مربعات رگرسیون انجام شده است. برای تحلیل داده ها از روش داده های تابلویی و برای بررسی استفاده از روش داده های تابلویی با تأثیرات ثابت در مقابل روش داده های ترکیبی از آزمون f لیمر (چاو) استفاده شده است. اگر در این آزمون روش داده های ترکیبی انتخاب شود کار تمام است ولی اگر روش داده های تابلویی با تأثیرات ثابت انتخاب شود، لازم است آزمون هاسمن نیز به منظور بررسی انتخاب از بین روش داده های تابلویی با تأثیرات ثابت در مقابل روش داده های تابلویی با تأثیرات تصادفی انجام شود. نتایج حاصل از آزمون f لیمر و آماره هاسمن، استفاده از داده های پنل به روش اثرات ثابت را برای تمام مدل های پژوهش در بازه های مورد بررسی نشان می دهند.

<sup>۴</sup>. Innovation and Technological Adoption

<sup>۵</sup>. Information and Communication Technology :ICT Infrastructure

## برآورد مدل در کلیه کشورها

| متغیر وابسته: رشد اقتصادی<br>روش: Panel EGLS<br>بازه زمانی: ۱۹۹۵-۲۰۱۰<br>تعداد سال های مشاهده: ۱۶ سال<br>تعداد نمونه: ۱۲<br>تعداد کل مشاهدات: ۱۸۰ |           |                |           |                                 |
|---|-----------|----------------|-----------|---------------------------------|
| p-value   | آماره t   | خطای استاندارد | ضریب      | متغیر مستقل                     |
| ۰,۷۸۹۹  | ۰,۲۶۶۸۸۰  | ۴,۱۹۵۱۵۴       | ۱,۱۱۹۶۰۲  | عرض از مبدا                     |
| ۰,۰۰۷۳  | ۲,۷۱۹۹۵۲  | ۰,۰۶۹۴۴۳       | ۰,۱۸۸۸۸۲  | رژیم نهادی و<br>انگیزش اقتصادی  |
| ۰,۰۲۹۵  | ۲,۲۳۰۴۹۸  | ۰,۰۴۷۳۷۲       | ۰,۰۸۳۳۵۸  | زیر بنای تکنولوژی<br>و ارتباطات |
| ۰,۰۰۲۴  | ۱,۱۷۸۷۶۳  | ۰,۱۳۱۶۱۱       | ۰,۱۵۵۱۳۸  | نوآوری و اتخاذ<br>تکنولوژی      |
| ۰,۰۳۱۲  | ۲,۰۶۲۵۴۰- | ۰,۰۵۷۲۲۳       | -۰,۱۱۸۰۲۵ | آموزش و پرورش                   |
| ۰,۰۲۳۱  | ۲,۲۹۴۶۲۲  | ۰,۰۸۱۹۱۹       | ۰,۱۸۷۹۷۳  | AR(۱)                           |
| ۰,۵۹۸۴  | -۰,۵۲۷۸۷۱ | ۰,۰۸۵۷۷۴       | -۰,۰۴۵۲۷۸ | AR(۲)                           |
| ۰,۶۳۷   | $R^2$     | ۰,۰۰۰          | p-value   | ۱۵,۴۸                           |
| ۰,۵۹۵   | تعدیل شده | ۲,۰۷           |           | آماره دوربین واتسون             |

$$GDP_{it} = 0.188 EIR_{it} + 0.083 ICT_{it} + 0.155 ITA_{it} - 0.118 ET_{it} + 0.187 AR(1)$$

با توجه به اینکه مقدار p\_value در تمامی متغیرها کمتر از ۰,۰۵ می باشد، لذا تمام شاخص های اقتصاد دانایی محور بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. به این ترتیب فرضیه اول تحقیق تأیید می شود.

برآورد مدل تحقیق در کشورهای نفتی



متغیر وابسته: رشد اقتصادی

روش: Panel EGL

بازه زمانی: ۱۹۹۵-۲۰۱۰

تعداد سال های مشاهده: ۱۶ سال

تعداد نمونه: ۶

تعداد کل مشاهدات: ۹۰

| متغیر مستقل                  | ضریب      | خطای استاندارد | t آماره        | p-value |
|------------------------------|-----------|----------------|----------------|---------|
| عرض از مبدا                  | -۱۹,۷۹۵۴۶ | ۱۱,۵۲۰۷۸       | -۱,۷۱۸۲۳۹      | ۰,۰۸۹۷  |
| رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی  | ۰,۱۲۷۹۶۸  | ۰,۰۲۹۸۸۶       | ۴,۲۸۱۸۱۴       | ۰,۰۰۰۳  |
| زیر بنای تکنولوژی و ارتباطات | ۰,۱۱۴۹۷۸  | ۰,۰۹۷۶۵۶       | ۱,۱۷۷۳۸۴       | ۰,۲۴۲۶  |
| نوآوری و اتخاذ تکنولوژی      | -۱,۱۸۲۷۶۸ | ۰,۶۶۸۶۷۷       | -۱,۷۶۸۸۱۸      | ۰,۰۸۰۸  |
| آموزش و پرورش                | -۰,۲۶۶۳۲۶ | ۰,۱۲۲۸۷۱       | -۲,۱۶۷۵۲۳      | ۰,۰۳۳۲  |
| AR(۱)                        | ۰,۲۵۶۰۶۵  | ۰,۱۰۸۲۹۲       | ۲,۳۶۴۵۸۶       | ۰,۰۲۰۵  |
| AR(۲)                        | -۰,۳۷۵۸۵۷ | ۰,۱۱۵۰۰۳       | -۳,۲۶۸۲۴۸      | ۰,۰۰۱۷  |
| احتمال F آماره               | ۵,۰۹      | p-value        | R <sup>۲</sup> | ۰,۳۹۱۸  |
| آماره دوربین واتسون          | ۲,۱۱      |                | تعدیل شده      | ۰,۳۱۴۸  |

منبع: نتایج تحقیق

$$GDP_{it} = 0.127 EIR_{it} - 0.2666 ET_{it} + 0.0256 AR(1)$$

با توجه به مقدار p\_value شاخص های اقتصاد دانایی محور در کشورهای نفتی متغیرهای رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی و آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی کشورهای مذکور تأثیرگذار است. با در نظر گرفتن ضریب متغیر رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی می توان نتیجه گرفت به ازای یک درصد افزایش متغیر رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی، رشد اقتصادی کشورهای نفتی ۰,۱۲۷ درصد افزایش خواهد یافت و همچنین به ازای یک درصد افزایش متغیر آموزش و پرورش، رشد اقتصادی کشورهای نفتی ۰,۲۶۶ درصد کاهش خواهد یافت.

## برآورد مدل در کشورهای غیرنفتی

| متغیر وابسته: رشد اقتصادی<br>روش: Panel EGL<br>بازه زمانی: ۱۹۹۵-۲۰۱۰<br>تعداد سال های مشاهده: ۱۵ سال<br>تعداد نمونه: ۶<br>تعداد کل مشاهدات: ۹۰ |          |                |                |         |
|--|----------|----------------|----------------|---------|
| متغیر مستقل  | ضریب     | خطای استاندارد | t آماره        | p-value |
| عرض از مبدا  | ۵۷,۳۰۰۵۰ | ۱,۴۶۰۹۰۴       | ۳۹,۲۲۶۳        | ۰,۰۰۰۰  |
| رژیم نهادی و انگیزش اقتصادی  | ۰,۱۹۳۰۳۰ | ۰,۰۱۵۹۶۵       | ۱۲,۰۹۰۸۰       | ۰,۰۰۰۰  |
| زیر بنای تکنولوژی و ارتباطات   | ۰,۶۸۳۸۹۲ | ۰,۰۲۱۴۰۶       | ۳۱,۹۴۸۵۹       | ۰,۰۰۰۰  |
| نوآوری و اتخاذ تکنولوژی  | ۰,۱۲۹۲۰۸ | ۰,۰۴۷۸۲۲       | ۲,۷۰۱۸۲۹       | ۰,۰۰۸۶  |
| آموزش و پرورش  | ۰,۱۰۹۸۰۷ | ۰,۰۳۹۴۱۳       | -۲,۷۸۶۰۱۷      | ۰,۰۰۶۸  |
| AR(۱)  | ۱,۲۱۳۹۳۹ | ۰,۱۲۴۰۶۰       | ۹,۷۸۵۰۸۰       | ۰,۰۰۰۰  |
| احتمال F آماره   | ۲۵,۳۳    | p-value        | R <sup>۲</sup> | ۰,۹۸۵   |
| آماره دوربین واتسون  | ۱,۹۱     |                | تعدیل شده      | ۰,۹۸۲   |

منبع: نتایج تحقیق

$$GDP_{it} = 57.3 + 0.193 EIR_{it} + 0.683 ICT_{it} + 0.129 ITA_{it} + 0.109 ET_{it} + 1.213 AR(1)$$

با توجه به مقدار p\_value شاخص های اقتصاد دانایی محور در کشورهای غیرنفتی می توان نتیجه گرفت تمامی شاخص های اقتصاد دانایی محور بر رشد اقتصادی تأثیر مثبتی دارند.

جهت مقایسه اثر اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی و غیر نفتی، ابتدا بر اساس مدل نظری تحقیق رشد اقتصادی در کشورهای نفتی و غیرنفتی برآورد شده است.

$$GDP_{it} = C + \beta_1 ERI_{it} + \beta_2 ICT_{it} + \beta_3 ITA_{it} + \beta_4 ET + \varepsilon_{it}$$

بطوریکه GDP<sub>۱</sub>: رشد اقتصادی کشورهای نفتی و GDP<sub>۲</sub>: رشد اقتصادی کشورهای غیر نفتی می باشد.

حال برای آزمون  $H_0: GDP_1 > GDP_2$ ، با استفاده از آزمون t مستقل و به کمک نرم افزار spss، نابرابری میانگین های دو گروه را بررسی می کنیم. نتایج حاصل به شرح زیر می باشد:

| گروه             | میانگین | انحراف معیار استاندارد |
|------------------|---------|------------------------|
| GDP <sub>1</sub> | -۲,۹۳   | ۰,۲۳۶                  |
| GDP <sub>2</sub> | ۲۲,۱۱   | ۱,۸۲                   |

### میانگین GDP در هر دو گروه از کشورها

منبع: نتایج تحقیق

برای آزمون تفاوت میانگین های دو گروه، آزمون لون نیز جهت آزمون برابری واریانس ها انجام شده است. بطوریکه نتایج حاصل در جدول آورده شده است.

### نتایج حاصل از آزمون لون

| آماره لون | سطح معناداری آزمون | نتیجه آزمون                   |
|-----------|--------------------|-------------------------------|
| ۲۱۵,۹۴۶   | ۰,۰۰۰              | رد برابری واریانس های دو گروه |

منبع: نتایج تحقیق

آزمون آماری لون در سطح معناداری ۹۵ درصد نشان می دهد فرض برابری واریانس های دو گروه مورد بررسی پذیرفته نمی شود. در ادامه نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین های دو گروه با فرض نابرابری واریانس هایشان در جدول زیر نشان می دهد فرضیه صفر مبنی بر کوچکتر بودن رشد اقتصادی در کشورهای نفتی نسبت به کشورهای غیرنفتی پذیرفته می شود. بنابراین می توان گفت اثر اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی کشورهای غیر نفتی بیشتر از کشورهای نفتی می باشد. بنابراین از لحاظ آماری فرضیه دوم تحقیق در سطح ۹۵ درصد تایید می شود.

### نتایج حاصل از تفاوت میانگین های دو گروه

| تفاوت میانگین ها | آماره t | انحراف معیار | سطح معناداری آزمون |
|------------------|---------|--------------|--------------------|
| -۲۰,۰۴۸          | -۱۳,۶۲  | ۱,۸۳۸        | ۰,۱۵               |

منبع: نتایج تحقیق

### نتیجه گیری و پیشنهادات

در طول دهه های اخیر، اثر منفی معمای فراوانی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به طور وسیع مشاهده شده است. تعداد زیادی از کشورهای ثروتمند در ذخایر نفت، سطوح رشد ناامیدکننده ای را تجربه کرده اند. در مقابل کشورهای فقیر از نظر منابع، رشد قابل ملاحظه ای داشتند. هرچند این یک روند معمول و متداول است، اما به صورت یک قانون تجربی نیست. در قرن بیستم، کشورهای با وفور

منابع طبیعی، مانند نروژ و ایسلند، نرخ های رشد قابل ملاحظه ای را تجربه کردند. به نظر می رسد در صورتی که درآمدهای نفتی محرک رشد باشند، اثرات متضاد غیرمستقیم آن بر رشد اقتصادی کنترل می شود.

آن چه که از تحقیق حاضر به عنوان نتیجه می توان اشاره کرد آن است اولاً رشد اقتصادی کلیه کشورها اعم از نفتی و غیرنفتی از شاخص های اقتصاد دانایی محور تأثیر می پذیرند ، ثانیاً کشورهای نفتی در صورتی که از مزایای اقتصاد مبتنی بر دانش بهره نگیرند علی رغم دارا بودن نفت و درآمدهای حاصل از آن همچنان رشد اقتصادی کمتری را نسبت به کشورهای غیرنفتی که به سبب عدم بهره وری از نفت به دنبال عملکرد بنیادی اقتصادشان بر پایه دانایی هستند را تجربه خواهند کرد. این موضوع با توجه به اینکه کشورمان ایران در زمره کشورهای نفتی تحقیق مزبور می باشد از اهمیت دو چندانی برخوردار است.

با در نظر داشتن نتایج تحقیق می توان موارد ذیل را به عنوان پیشنهاداتی در راستای تحقیقات اقتصاد دانش محور در کشورهای نفتی در جهت نیل به رشد اقتصادی بالاتر برشمرد:

۱. هدفمند بودن خلق و ایجاد دانش به عبارت دیگر در ایجاد دانش باید بخش هایی که زیربنای توسعه اقتصادی هستند شناسایی شده و منابع آموزشی و تحقیقی برای وارد کردن دانش در این بخش ها جهت دهی شوند.
۲. تحکیم ارتباط میان صنایع و مراکز دانشگاهی. تا زمانی که دانش خلق شده در سیستم های آموزشی و تحقیقی، جنبه کاربردی پیدا نکند و وارد بخش های مختلف اقتصادی نشود، ثمره گسترش دانش در جوامع مشهود نخواهد بود. لذا ایجاد مراکز تحقیقاتی در مناطق کلیدی صنعتی و با مراکزی که ارتباط متقابل با سیستم تولید دانش و بخش های اقتصادی را تأمین کند از ضروریات گسترش اقتصاد دانش محور است.
۳. کوتاه کردن دوره عمر تولیدات از طریق ایجاد ارتباط مستقیم با دانشمندان و متخصصان به منظور افزایش خلاقیت و نوآوری
۴. کنترل مکانیسم اثرگذاری درآمدهای نفتی. از آن جائیکه درآمدهای نفتی فقط تحت شرایط خاصی می توانند محرک رشد اقتصادی باشند و آن کنترل مکانیسم اثرگذاری درآمدهای نفتی است، مدیران اجرایی کشور باید ضمن توجه به آثار مخرب درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور، نسبت به وارد کردن مازاد این درآمدها به ساختار اقتصاد، بسیار حساس باشند.
۵. فراهم شدن ابتدایی ترین امکانات (مسکن، غذا، امکانات تحصیلی و پزشکی) از طریق درآمدهای مالیاتی، تا فرهنگ تقاضا برای درآمدهای نفتی به تدریج تعدیل شود.
۶. حمایت از ابداع و نوآوری، تا زمانی که کشوری دارای سیستم حقوقی و قانونی مناسب برای حمایت از حق ثبت، حق اختراع، حق امتیاز،... نباشد، انگیزه لازم برای خلق دانش وجود ندارد.
۷. فراهم کردن محیط مناسب برای پیشرفت فناوری
۸. تبدیل رویای شیرین کسب درآمدهای نفتی به کابوس درآمدهای نفتی در فرهنگ و اندیشه مردمان کشورهای نفتی
۹. ایجاد ادبیات اقتصادی کارآمد بطوریکه اقتصاد بدون نفت یک فلسفه اقتصادی تجملاتی غیرضروری در کشورهای نفتی تعبیر نشود.

#### منابع فارسی:

- (۱) ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد و حاجی میرزایی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷)، بررسی مکانیسم های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- (۲) چهاربند، فرزانه (۱۳۸۸)، بررسی نقش آموزش پایه در تحقق اقتصاد دانایی محور در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد .
- (۳) خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۲)، رونق نفتی، افزونه جویی و نقش نهادها: بررسی موردی ایران و نروژ، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد .



- ۴) دامودار، گجراتی (۱۳۸۷)، مبانی اقتصادسنجی، جلد اول و دوم، ترجمه حمید ابریشمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵) کارل، تری لین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی: رونق های نفتی و دولت های نفتی (ترجمه جعفر خیرخواهان)، تهران: نشر نی
- ۶) کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۸۷)، بررسی اثر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان منتخب، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد، دانشنامه دوره دکتری اقتصاد.
- ۷) نیلی، مسعود و کر دیچه، محمد ونیلی، فرهاد (۱۳۸۹)، دولت و رشد اقتصادی در ایران، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- منابع انگلیسی:

- ۱) Auty, R. (۱۹۹۴), "Industrial Policy Reform in Six Large Newly Industrializing Countries: The Resource Curse Thesis", World Development ۲۲,۱ (January): ۱۱-۲۶
- ۲) Barnett, S. and A. Vivanco (۲۰۰۳), "statistical Properties of Oil Prices: Implications for Calculating Government Wealth", in Davis et al. (eds).
- ۳) Carneiro, F. (۲۰۰۷), "Development Challenges of Resource-Rich Countries: The Case of Oil Exporters", prepared for the VI International Colloquium, Macrodynamics Capabilities and Economic Development, University of Brasilia, March ۲۳, ۲۲۲۷, Brasilia, Brazil.
- ۴) Fagen, R. R. (۱۹۷۸), "Equity in the South in the Context of North-South Relations", In —Rich and Poor Nations in the World Economy, New York: McGraw-Hill.
- ۵) Frankel Jeffrey A. (۲۰۱۰), "The Natural Resource Curse: A Survey", NBER Working Paper ۱۵۸۳۶, March
- ۶) Gavin, M. and Huusman (۱۹۹۸), "Macroeconomic Volatility and Economic Development", in Barner and paldom (eds).
- ۷) Gylfason, T., Herbertsson, T.T. and Zoega, G (۱۹۹۹), "A Mixed Blessing: Natural Resources and Economic Growth", Macroeconomic Dynamics ۳: ۲۰۴-۲۵
- ۸) Hirschman, A. (۱۹۵۸), "The Strategy of Economic Development", New Haven: Yale University Press.
- ۹) \_\_\_\_\_ (۱۹۷۷), "A Generalized Linkage Approach to Development, With Special Reference to Staples", Economic Development and Cultural Change ۲۵ Supplement
- ۱۰) Hausmann, R. and R. Rigobon (۲۰۰۳), "An Alternative Explanation of the Resource Curse", in Davis et al. (eds), Fiscal Policy Formulation and Implementation in Oil-Producing Countries, Washington: International Monetary Fund.



## Abstract

Pattern emerging knowledge based economy and entering the era of knowledge, while the issue of socio-economic issues. This model is based knowledge and its application and the growing use of modern technologies in the industry and the subsequent development of a skilled workforce quality and increasing productivity will be the main feature. So in the absence of international relations in the field of economy based on knowledge oriented economy pattern, technology imports and imitation of the developed countries, regardless of the infrastructure of the template, the main oil-producing countries will not be problem-solving issues. So should the basic way of organizing the entry of these countries into the knowledge era. On the other hand, the phenomenon of "great mystery" or "resource curse" with the general impression that the wealth of natural resources leads to economic growth, in sharp contrast. In the meantime why oil-exporting developing countries to benefit from the greatest transfer of wealth, so far there have been no war, economic decline have sometimes involved, as one of the issues raised in this regard that for the Other researchers have studied different.

**Keywords:** Knowledge-based economy, the oil boom, rentier state, rents, oil shock

Archive of SID